یادداشت

عباس حاجی‌نجاری

روندشناسی شکست تاریخی امریکایی‌ها از مردم ایران

امریکایی‌ها به دلیل فاصله جغرافیایی با دیگر کشورهای جهان، تاکنون مورد تعرض جدی دیگر قدرت‌ها نگرفته و به دلیل سلطه‌ای که در قرن اخیر و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم با استفاده از سلاح اتمی برای خود ایجاد کرده‌اند، برای خود مصونیتی حتی در برابر دیگر کشورهای دارای قدرت هسته‌ای ایجاد کرده‌اند.

اما تحولات چهار دهه اخیر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که با فروپاشی یکی از ستون‌های اصلی قدرت فرامنطقه‌ای امریکا یعنی رژیم ستمشاهی در ایران همراه شد، عملاً اقتدار امریکا در جهان با یک دومینوی فروپاشی همراه شد که به‌رغم داشتن قدرت هسته‌ای و حق وتو در سازمان ملل و سابقه بی‌اعتنایی به قوانین بین‌المللی و تجاوز به کشورها، رئیس جمهور کنونی آن کشور به شکست‌های سلسله‌وار امریکا در روند تحولات جهانی اشاره کرده و ضمن اعتراف به ناکامی در پیشبرد سیاست‌های کاخ سفید در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) به‌رغم ۷ تریلیون دلار هزینه، در پیشبرد اهدافش در رابطه با اروپایی‌ها نیز ناکام مانده و در برابر روسیه نیز در بحث رقابت‌های موشکی و ماجرای اوکراین طرفی نبسته، در جنگ اقتصادی علیه چین و دیگر قدرت‌های اقتصادی هم ناکام مانده و شاهد از دست رفتن سرمایه‌گذاری‌های کاخ سفید در حفظ رژیم دست‌نشانده‌اش در سرزمین‌های اشغالی است.

ریشه این ناکامی‌ها را فراتر از نشانه‌ها و مصادیق میدانی باید در تزلزل در مبنای تفکر لیبرال‌دموکراسی حاکم در غرب جست‌وجو کرد که علاوه‌بر امریکایی‌ها، قدرت‌های اروپایی نیز دچار آن شده‌اند و این سقوط را نیز باید ناشی از رشد گرایش به ادیان الهی و به‌ویژه اسلام در جهان و ناتوانی پاسخ لیبرال‌دموکراسی به نیازهای فطری و الهی انسان دانست که البته صحنه عملیاتی آن به تقابل همه‌جانبه غرب با ایران اسلامی تبدیل شد که البته خط مقدم آن را امریکایی‌ها برعهده گرفته‌اند و به همین دلیل است که تعارض غرب با انقلاب اسلامی را باید فراتر از موضوعاتی نظیر هسته‌ای، موشکی و بهانه‌جویی‌های حقوق بشری دانست، چرا که این بهانه‌ها برای کشورهایی که سلطه امریکایی‌ها را پذیرفته‌اند به راحتی قابل اغماض هستند. مصداق روشن این مدعا را می‌توان گفت‌وگوی ترامپ با فاکس‌نیوز در ۱۵ بهمن‌ماه سال ۱۳۹۵ دانست که طی آن او رسماً اعلام کرد که ایران اگر با امریکا باشد امریکانه با هسته‌ای ایران مشکل دارد و نه با موشکی ایران. پمپئو، وزیر خارجه امریکا نیز پس از اعمال دور جدید تحریم‌های امریکا علیه ایران در آبان‌ماه سال ۱۳۹۷ رسماً اعلام کرد که امریکا آنقدر به مردم ایران فشار می‌آورد که چیزی برای خوردن نداشته باشند تا اینکه ایران حرف امریکا را گوش کنند.

این خواست ترامپ مطالبه اصلی هیئت حاکمه امریکاست که در زمان اوباما با الفاظ دیگری عنوان می‌شد چرا که اوباما هم همان زمان در زمان فتنه ۱۳۸۸ تمام ظرفیت امریکا را در حمایت از فتنه ۸۸ برای فروپاشی نظام اسلامی به‌کار گرفت و پس از آنکه ناکام ماند، آنگاه که زمینه مذاکرات هسته‌ای ایجاد شد و برجام به تصویب رسید، او هم مطالبه امریکا را فراتر از برجام یعنی «روح برجام» که همانا «تغییر در ایران» بود اعلام کرد.

اکنون در شرایط این صف‌بندی، امریکایی‌ها همه ظرفیت خود را برای به زانو درآوردن ایران اسلامی به میدان آورده و از هیچ حربه‌ای برای شکست نظام اسلامی فروگذار نکرده‌اند، که تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی، جنگ‌های نیابتی، تشکیل ائتلاف منطقه‌ای برای شکل‌دهی به یک تهدید نظامی علیه ایران، طراحی و اجرای کم‌نظیرترین جنگ روانی با بهره‌گیری از آخرین تجهیزات روز رسانه‌ای و اطلاعاتی جهان، طراحی و اجرای یک جنگ پیچیده سایبری و... از مصادیق آن است.

به‌رغم اثرگذاری این تحریم‌ها بر عرصه اقتصادی کشور و افزایش مشکلات معیشتی مردم اما امریکا به هدف اصلی خود از این فشارها که همانا برهم خوردن اوضاع داخلی ایران است نرسیده و حتی از آنجایی که بخش اعظم مردم این مشکلات را ناشی از تحریم‌ها می‌دانند، امریکایی‌ها را به یک تناقض رفتاری دچار کرده که از یک‌سو مدعی اعمال بی‌نظیرترین فشارها به ایران شده، اما از سوی دیگر ادعای حمایت از مردم ایران را دارند.

و این در حالی است که امریکایی‌ها در عین اذعان به ناتوانی در اثرگذاری بر روندهای داخلی ایران، اگرچه با هدف ایران‌هراسی، اما به ناچار به اقتدار ایران در عرصه‌های مختلف اذعان می‌کنند که شاهد مثال آن را می‌توان در سخنان مایک پنس معاون ترامپ و پمپئو وزیر خارجه امریکا و برایان هوک مسئول دفتر ویژه امریکا علیه ایران در اجلاس ورشو و دیگر نشست‌های اخیر دید که در عین اذعان به قدرت هسته‌ای ایران، به قدرت موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران نیز اعتراف کرده و از اینکه رژیم صهیونیستی به دلیل سیاست‌های ایران در معرض سقوط و فروپاشی قرار گرفته، ایران را متهم به شکل‌دهی یک هلوکاست دیگر می‌کنند. مقایسه این اتهامات با اتهامات دو دهه اخیر امریکا علیه ایران نشان دهنده افزایش اقتدار و عظمت ایران و پسرفت کاخ سفید در مواجهه با ایران اسلامی است. امریکایی‌ها اکنون در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر ناکامی در شکست اراده مردم ایران با مشکلات دیگری در داخل و در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای مواجهند که ناتوانی در ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران، ضعف قدرت اقتصادی امریکا و مشکلات داخلی این کشور، ضعف و ناتوانی همپیمانان منطقه‌ای امریکا در مقابله با ایران، رقابت اروپا با امریکا و تلاش این قاره برای خروج از سلطه امریکا، درگیر شدن امریکا در یک جنگ اقتصادی با چین، روسیه، هند، ترکیه و... نداشتن اپوزیسیون قدرتمند و قابل اتکا در ایران، آمادگی و حضور مردم و نیروهای انقلابی ایران در صحنه، ظرفیت‌ها و فرصت‌های ایران برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی و اقتدار دفاعی ایران و... از جمله مشکلات امریکا در پیشبرد اهدافش علیه ایران است.

این ضعف و ناتوانی امریکا و در نقطه مقابل ظرفیت‌ها و اقتدار ایران مبنای اصلی پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب در شکست تاریخی امریکا در مقابل انقلاب اسلامی است که در دیدار نمایندگان مجلس خبرگان در روز پنج‌شنبه بر آن تأکید فرموده و با اشاره به دشمنی‌های امریکایی‌ها علیه مردم ایران یادآور شدند که امریکایی‌ها بارها تکرار کرده‌اند که تحریمی که ما علیه ایران وضع کردیم، شدیدترین تحریم در طول تاریخ است، راست هم می‌گویند، بنده هم یک وقت در جوابشان گفتم که شکستی که هم امریکا در مقابل این قضیه خواهد خورد، سخت‌ترین شکست در طول تاریخ است برای امریکا، ان‌شاءالله.

البته ایشان تحقق این شکست را به حرکت درست مردم ایران منوط کرده و یادآور می‌شوند که اگر ما ان‌شاءالله درست حرکت کنیم و پیش برویم، بنابراین بسیج همه امکانات لازم است، در مقابل تهاجم حداکثری، بسیج حداکثری امکانات لازم است.

خبر آخر

یک فعال سیاسی عنوان کرد

ریزش آرای اصلاح‌طلبان با عملکرد شورای شهر تهران

عملکرد منفی اصلاح‌طلبان در شورای شهر تهران، منجر به ریزش آرای جریان اصلاح‌طلب در انتخابات آتی می‌شود.

محسن کوهکن نایب رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری در گفت‌وگو با مهر با اشاره به اینکه اقدامات شهرداری تهران تهی از بار فرهنگی است، افزود: اصلاح‌طلبان با این عملکرد ضعیف خود در تهران، بالاترین خدمت را به طیف اصولگرا کردند چرا که عملاً مشخص شد که شهرداری تهران در دوره قبل چه خدماتی را به این شهر عرضه کرد.

کوهکن خاطرنشان کرد: عملکرد شورای شهر و شهرداری تهران کاملاً در مسیر عملکرد دولت است و قطعاً عملکرد منفی آنان منجر به ریزش آرای جریان اصلاح‌طلب در انتخابات‌های بعدی می‌شود.

گزارش

کبری آسوپار

تحول در عدالتخانه

قوه قضائیه نیاز به تغییر دفعی و بازسازی مجدد دارد

احمد معینی جم | ایرنا

زمان زیادی است که احساس نیاز به تحول در دستگاه قضایی کشور حس می‌شود. بخش زیادی از این نیاز به تحول به سیستم اداری دادسراها و دادگاه‌ها برمی‌گردد. تعداد بالای پرونده‌ها، اطاله دادرسی‌ها، تشریفات دست و پاگیر، بی‌اعتمادی‌ها در میان توده‌ها، عدم توانایی دستگاه قضایی در دفاع از خود و ضعف خبررسانی در مورد اقدامات دستگاه قضایی و موضوعات مرتبط و پرونده‌های خاص، نیاز محسوس به پیگیری حقوق عامه، نیاز به جدیت و سرعت بیشتر در مبارزه با مفاسد اقتصادی، نیاز به بازگشت اعتماد مردم نسبت به برخورد دستگاه قضایی با بستگان مقامات و چهره‌های خاص و... لیست بلند بالایی است از آنچه می‌تواند برای آغاز یک تحول پیش روی ریاست جدید دستگاه عدالتخانه جمهوری اسلامی ایران باشد.

فهرستی که به یقین اگر قرار باشد توسط خود سید ابراهیم رئیسی نوشته شود -و چه بسا تاکنون هم با توجه به سند تحول قضایی که او تقدیم رهبر کرده، نگاشته شده- بسیار پرتعدادتر خواهد بود. از این روست که ضمن تأکید بر آنکه نقاط نیاز به تحول تقریباً روشن است، به بایسته‌های ایجاد چنین تحولی خواهیم پرداخت. تحولی که در هر دوره ریاستی خاص خود است و می‌تواند معنایی دیگر داشته باشد و در هر دوره می‌تواند یک شبه انقلاب نسبت به دوره قبل باشد.

■ اهمیت سرعت در تحول

نارضایتی‌ها از دستگاه قضایی کم نیست و برای آنکه این امید ایجاد شده در پی آمدن دوره‌ای جدید برای قوه با گذر زمان رو به یأس نرود و فروکش نکند، نیاز است که اتفاقاتی سریع و دفعی در دستگاه قضایی روی دهد. در یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی یکی از اهالی حقوق پیشنهاد داده بود که مثلاً در اولین هفته کاری رئیس جدید، دستور نصب دوربین در تمامی دادگاه‌ها داده شود. این تغییر دفعی و البته مهم راه ایجاد بسیاری از شکایات و نارضایتی‌ها از دستگاه قضایی را می‌بندد. مهم‌تر آنکه در مقام مثال، یک اتفاق سریع است و نشان می‌دهد عزم برای ایجاد تغییر و تحول جدی است. برخی تحولات هم البته نیاز به گذر زمان دارد و نمی‌تواند دفعی روی دهد. مثلاً رهبر انقلاب در حکم انتصاب رئیس جدید دستگاه قضایی دو مورد را از موارد توصیه‌های مؤکد به او ذکر کرده‌اند؛ یکی ریشه‌کنی فساد از درون قوه و استفاده از نیروی انسانی صالح و قضات سالم و پاکدامن و دیگری استفاده از جوانان صالح و انقلابی و فاضل در مسئولیت‌های قوه؛ دو موردی که می‌تواند در تلفیق با یکدیگر به کار گرفته شود و جایگزینی برای آنان که باید مرخص شوند، با جوانان صالح انجام شود. راه دیگر البته بستن راه‌های فساد درون قوه از جمله مانند همان مثال نصب دوربین است. اما انفصال از آنان که باید بروند و جایگزینی با جوانان نیاز به زمان دارد. این زمان هم باید شتاب مناسبی داشته باشد. تأکید بر این زمان‌بندی برای آن است که تغییر و تحول شامل محافظه‌کاری‌های معمول مسئولان کشور نشود و مرور زمان باعث نشود که شیرینی تحول در دوران مدیریت جدید به روال عادی یک کار اداری تغییر پیدا کند. همین هفته‌ها و بلکه روزهای آغازین است که مردم اخبار ریاست جدید را جدی‌تر دنبال می‌کنند، با گذر زمان همه چیز را عادی و طبق یک روال روتین تعبیر خواهند کرد.

از سویی تدریج و طولانی کردن تحولات باعث می‌شود عقب بمانیم از مشکلاتی که جدید ایجاد می‌شوند. مشکلات همواره جلوتر از ما حرکت خواهند کرد و همیشه باید به دنبال آنها بدویم!

■ اهمیت کار رسانه‌ای برای دستگاه قضایی

در دوران ریاست صادق آملی لاریجانی، قوه قضائیه دارای خبرگزاری شد؛ خبرگزاری میزان. این اتفاق خوب را همه آنانی که اهمیت اطلاع رسانی برای قوه را پیش از این درک کرده و بارها متذکر شده بودند، به فال نیک گرفتند و به حق هم تحول ضروری و مثبتی بود. اما تحول ضروری‌تر و کاربردی‌تر باید در ذهن مسئولان قضایی اتفاق بیفتد. ذهنی که بتواند مصداق‌های این ضرورت اطلاع رسانی را در لحظه تشخیص دهد و فراتر از آن برای هر اقدام قضایی در مورد پرونده‌های خاص سیاسی، امنیتی و اقتصادی یا مواردی که محتمل است جنجالی شود، همزمان با تصمیم برای اقدام، پیوست رسانه‌ای ارائه کند. برای مثال، همزمان با دستگیری فلان متهم، اخبار مربوط به دلیل دستگیری و اتهامات او تا حد ممکن اطلاع رسانی شود و راه را بر سناریوسازی‌ها و موج سازی‌های رسانه‌های معاند ببندد. این اولین قدم در دفاع قوه قضائیه از خودش است.

اقدامات اصلاحی قوه هم باید با جزییات به افکار عمومی عرضه شود. اقدامات مثبت وقتی به سمع و نظر مردم برسد در بازآفرینی اعتماد به دستگاه قضایی مؤثر خواهد بود. رهبر انقلاب در دیدار ۶ تیرماه ۹۷ با مسئولان قضایی بر اهمیت کار تبلیغی برای قوه قضائیه تأکید می‌کنند: «ببینید، امروز قوّه زیر شدیدترین فشارهای تبلیغی و رسانه‌ای است! هم از ناحیه دشمنانی که در خارج هستند، هم از ناحیه‌ی غافلانی که در داخل هستند... خب، این را چه‌جوری می‌خواهید حل کنید؟ در مقابل این، کار تبلیغی لازم است. تبلیغ بایستی به معنای رساندن آن حقیقت به دل مخاطب باشد، نه به گوش مخاطب؛ باید دل مخاطب تحت تأثیر قرار بگیرد. خب این یک کار فنّی است، یک کار هنری است... یکی از مهم‌ترین کارهای شما این است؛ یعنی یک تیم قوی رسانه‌ای هنرمند را به کار بگیرید، بنشینند طرّاحی کنند -نه برای یک روز و دو روز و یک ماه؛ به‌طور مستمر- تا بتوانند همین که شما گفتید که ما فلان تعداد قاضی را این‌جوری کنار گذاشتیم یا فلان حرکت اصلاحی را انجام دادیم یا فلان تنقیح قانونی را یا فلان پیش‌بینی بلندمدّت را انجام دادیم، این را بتوانند به مردم تفهیم کنند درست که مردم آن را مشاهده کنند ببینند. خب، این کار، کار مهمّی است؛ ما این کار را خیلی دست‌کم گرفته‌ایم. خیلی از دستگاه‌های ما مبتلا به همین قضیه هستند؛ فقط دستگاه قضائی نیست امّا دستگاه قضائی خیلی احتیاج دارد به اینکه بتواند اعتماد مردم و خوش‌بینی مردم را جلب کند.»

سکوت خبری باعث این تصور می‌شود که حرفی برای گفتن نیست یا ایراد و اشکالی در کار است که برای پوشاندن این ضعف رو به سکوت آورده شده است. اما دستگاه قضایی با همه اشکالاتی که قرار نیست نادیده گرفته شود، موفقیت‌های بسیاری را -خصوصاً در ۱۰ سال اخیر- رقم زده که کمتر توانسته سوژه کار تبلیغی مناسب قرار بگیرد.

■ بازآفرینی اعتماد مردم به دستگاه قضایی

جلب اعتماد مردم به دستگاه خود می‌تواند نتیجه تحولات باشد، اما به شرط آنکه از ابتدا هدف واجد همه تحولات باشد. آنچنان که رهبری فرمودند «در همه فصول تحول، مردمی بودن و انقلابی بودن و ضد فساد بودن» لازم است رعایت شود. همین سه اصل اگر در مصداق‌های کوچک رعایت شود، اعتماد مردم به قوه بازخواهد گشت، چه آنکه در بند قبلی هم بر لزوم کار هنری رسانه‌ای تأکید کردیم که بخش مهمی از بازآفرینی اعتماد مردم را رقم خواهد زد. یک قاضی وقتی قرار است فعالیتش مردمی باشد، مردم را برای پرونده‌های ساده در راهروهای دادسراها نمی‌چرخاند که از پیگیری احقاق حق خود ناامید و منصرف شوند؛ وقتی قرار است انقلابی باشد، کار به اطاله دادرسی یا ترسیدن از نام و جایگاه متهم نمی‌رسد و تهدید اهل قدرت او را متزلزل نخواهد کرد و وقتی قرار است ضد فساد باشد، با تطمیع اهل ثروت از مسیر حق منحرف نخواهد شد و این همه که نام بردیم، خواسته‌های مردم از دستگاه قضایی است که انجامش به اعتماد آفرینی منجر خواهد شد.

مدعی العموم باید به معنای واقع مدعی حق عامه باشد و مردم بتوانند دادستانی را پناه خود بدانند و قوه را نه محدود کننده آزادی‌های خود بلکه تأمین کننده آزادی ملت بدانند. رهبری در حکم انتصاب ابراهیم رئیسی آورده‌اند که «گسترش عدل و احیای حقوق عامه و آزادی‌های مشروع و نظارت بر اعمال قانون را که در شمار هدف‌های قوه قضائیه در قانون اساسی است در رأس برنامه‌ها قرار دهید. این موجب اعتماد مردم و دلگرمی آنان به قوه قضائیه در حوادث و منازعات خواهد شد.»

خبر

مصباحی مقدم:

دو سوم اعضای مجمع مخالف پیوستن به FATF هستند

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به اعمال فشارهایی که به تصمیم‌گیران کشور جهت بررسی کنوانسیون‌های زیرمجموعه FATF اعمال می‌شود، گفت: این مجموعه تصمیمی نمی‌گیرد مگر اینکه بررسی‌های کارشناسی دقیقی کرده باشد.

حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم در گفت‌وگو با ایلنا در پاسخ به این سؤال که چرا در ماجرای بررسی پالرمو و سی اف تی که مباحثی کارشناسی است در کشور دچار حواشی می‌شویم و اینکه چرا نمایندگان مجلس یا مجمع تشخیص باید بگویند ما در این موضوع تحت فشار هستیم و برای ما پیامک‌هایی می‌آید که پالرمو را تصویب کنید یا نکنید، گفت: متأسفانه مسائلی در این سطح دارد تبدیل می‌شود به مسائل توده مردم که من از این بابت ابراز تأسف می‌کنم چرا که اینها مسائلی بسیار پیچیده و فنی است.

وی یادآور شد: خود من اولین بار که این کنوانسیون‌ها را دیدم در مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کردم که فهم اینها ساده نیست و بنده تا تمامیت آن را متوجه نشوم رأی نخواهم داد و بنابراین تقاضا کردم چند نفر متخصص حقوق بین‌الملل را به کار بگیرند تا این دو کنوانسیون را برای ما استخراج کنند و به طور کامل توضیح دهند، آنگاه است که ما می‌توانیم تصمیم بگیریم که بپیوندیم یا نپیوندیم، یا اینکه شرط بگذاریم. حال چطور بسیاری از مردم به خودشان اجازه می‌دهند که به نمایندگان مجلس و اعضای شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام تکلیف کنند که این کار را بکنید یا نکنید؟ البته ما به مردم‌مان حق می‌دهیم که دغدغه مسائل نظام و آنچه در جریان تصمیم‌گیری کشور است را داشته باشند چرا که زخم خورده‌اند و این زخم خوردن‌ها موجب حساسیت آنها شده اما آیا نباید به ساختاری که نظام ایجاد کرده اعتماد کنند؟ مصباحی مقدم تأکید کرد: بالاخره این نظام رهبری دارد، مجلس دارد، این نظام جایگاهی مثل شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد.

مجمع تشخیص نزدیک به ۵۰ نفر عضو دارد که هر کدام از اینها رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور و وزیر و چند دوره نماینده مجلس بوده‌اند، آیا به اینها هم نمی‌خواهید اعتماد کنید؟ پس به چه کسی می‌خواهید اعتماد کنید؟ اینها منتخب و منصوب رهبری هستند. رهبری به اینها اعتماد کرده، خدا انصاف دهد کاری کرده‌اند که حتی به یک چنین مجموعه بسیار معتبر و مهمی هم اعتماد نشود. وی افزود: این مجموعه تصمیمی نمی‌گیرد مگر اینکه بررسی‌های کارشناسی دقیقی کرده باشد.

■ نگاه مجمع تشخیص جناحی و سیاسی نیست

این استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) گفت: آقا فرمودند اگر خودتان بروید قانون داخلی وضع کنید بهتر از این است که چیزی را تصویب کنید که نمی‌دانید ته آن چیست. این خیلی سخن حکیمانه و هوشمندانه‌ای بود. پس ما اگر نمی‌دانیم نتیجه آن چیست نباید قبول کنیم و اگر رسیدیم به اینکه نتیجه آن مثبت است رأی می‌دهیم و گاهی به این نتیجه می‌رسیم که برای یک شرایطی مثبت می‌دانیم و برای یک شرایطی منفی می‌دانیم. الان بخش زیادی از مقالاتی که کارشناسان در رسانه‌ها می‌نویسند تماماً دارند توصیه می‌کنند که این دو کنوانسیون بسیار خوب است و باید به آن بپیوندیم و ۱۹۰ کشور به آن پیوسته‌اند و می‌گویند ما که تافته جدا بافته نیستیم و یا می‌گویند موجب شفافیت مبادلات می‌شود.

وی ادامه داد: مگر ما می‌خواهیم از تروریست‌ها حمایت کنیم که بخواهیم راجع به تأمین مالی تروریسم یا پالرمو تردید و تأمل داشته باشیم؟ این‌ها القای شبهات اذهانی است که نظراتی کارشناسی هم هست، اما مسئله را ساده می‌نگرند و چون در مطبوعات می‌آید توده مردم اینها را می‌بینند و گمان می‌کنند که مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌خواهد یک کار سیاسی کند که این را کش داده است. واقعاً این نیست و نگاه مجمع تشخیص نگاه جناحی و سیاسی نیست.

این فعال سیاسی اصولگرا ابراز کرد: ایران در شرایط تحریمی است. امریکا تحریم‌های اولیه و ثانویه را وضع کرده و در تحریم‌های ثانویه همه کشورهای مهم جهان را تهدید کرده که یا با ما یا با ایران. معلوم است آنها با شرکت‌های امریکایی کار خواهند کرد نه با ایران. آیا ما در مقابل چنین تحریمی بیاییم کانال‌های مالی و داد و ستد و تجارت خود را که به صورت دور زدن تحریم‌ها انجام می‌دهیم افشا کنیم؟ این کار صددرصد کار احمقانه‌ای است. خصوصاً که رئیس دوره‌ای آن شخصی است که مسئول میز تحریم ایران در وزارت خزانه‌داری امریکا است و طمع کرده که ایران به سی اف تی و پالرمو بپیوندد تا بتواند کانال‌های مالی ایران را بر اساس تعهد ایران شناسایی و مسدود کند.

مصباحی‌مقدم تأکید کرد: کنگره امریکا از همین آقا دعوت می‌کند و به او می‌گویند ایران که دارد تحریم‌ها را دور می‌زند و کجاست آن تحریم‌هایی که می‌خواست ایران را فلج کند و ایران را پای میز مذاکره بکشاند؟ او هم می‌گوید صبر کنید ایران به طور کامل به آن بپیوندد آن‌وقت کانال‌های مالی آنان را شناسایی خواهیم کرد و جلوی دور زدن تحریم‌های آنان را خواهیم گرفت، آیا بهتر از این حجت می‌خواهیم که در این شرایط به تصویب این کنوانسیون‌ها بگوییم خیر؟

وی در پاسخ به این سؤال که آیا اکثر اعضای مجمع هم به همین نتیجه رسیده‌اند، گفت: اکثر اعضای مجمع به این نتیجه رسیده‌اند هرچند کسانی هم هستند که موافق پیوستن ایران به این لوایح هستند، اما تقریباً یک سوم نظرشان موافق پیوستن است و دو سوم نظرشان مخالف پیوستن است.

سرخط

■ **ایرنا:** استاندار خراسان رضوی، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه مشهد و تولیت آستان قدس رضوی با انتشار بیانیه‌هایی مردم را برای حضور در سخنرانی نوروزی رهبر معظم انقلاب در حرم نورانی امام رضا(ع) دعوت کردند.

■ **سپاه‌نیوز:** پاسداران منطقه یکم نیروی دریایی سپاه بیش از یک میلیون لیتر گازوییل قاچاق را در آب‌های ساحلی بندرعباس کشف کردند.

یادداشت

غلامرضا صادقیان

هیچ پیامبری در این بازار قدم نمی‌زند!

مسئولان اقتصادی کشور و شخص رئیس جمهور و بسیاری از ائمه جمعه را هیچ‌گاه در «بازار» ندیده‌ایم. برخی از آنها ۴۰ سال است که شخصاً چیزی از بازار نخریده‌اند. آفت‌های دور بودن مسئولان اصلی و اقتصادی و اجرایی از ماهیت بازار، قابل شمارش نیست. شاید اگر واقعاً در دعای تحویل سال، «حول حالنا» یی می‌طلبند، بهتر است دعا کنند خدا آنها را به صفت پیامبران که «یمشون فی الاسواق» بودند، متصف کند. سال جدید برای ایران سال بازار است، چون سال جنگ اقتصادی است. آن مسئولی که خود را سرباز نظام در جنگ اقتصادی و نوکر مردم می‌داند، آن وقت خریدهای شخصی‌اش را نوکرهایش برایش انجام می‌دهند، هیچ‌گاه از «فقر نظارت»، «انحصار»، «دلالی» و «گرانفروشی لحظه به لحظه» درک درستی ندارد و تصمیم درستی هم نخواهد گرفت.

به نظر می‌رسد نظام بازار کشور در ماه‌های آخر سال ۹۷ پیرو قانون «هر کی به هر کی» شد. البته نه اینکه قبل از آن چنین نبود! اگر بخواهیم قضاوت درستی داشته باشیم، باید بگوییم گویی دست‌هایی به عمد بازار را برای عموم مردم غیرقابل تحمل و آشفته‌تر کردند.

در دوران وفور ارز، بازارهای کشور نمایشگاه کالاهای غیرضروری و لوکس شده بود که وارد کننده، دلار ارزان دولتی را صرف واردات متنوع که مشابه داخلی هم دارد می‌کرد و کالا را با چند صد درصد سود به دست مشتری می‌رساند. حالا که ظاهراً ارزهای ارزان دولتی به هر کالایی نمی‌رسد، فروشنده‌ها گویی می‌خواهند ضرر سودهای از دست رفته روزگار دلار ارزان دولتی را هر طور شده از جیب مردم جبران کنند! و در این میان، جز برخی عتاب و خطاب‌های مسئولان قضایی، حرکتی بازدارنده یا اقدامی ایجابی برای توزیع و فروش عادلانه کالا دیده نمی‌شود.

وقتی در خبرها می‌آید که قیمت پارچه رومبلی در هفت ماه اخیر از متری ۵ هزار تومان به متری ۶۰ هزار تومان یعنی ۱۲ برابر رسیده است! و یا بیشتر فرنگی‌جات در بازار میوه و تره‌بار نسبت به پارسال هفت یا هشت برابر قیمت فروخته می‌شود (مثلاً فلفل دلمه که سال ۹۶ در میادین شهرداری ۱۵۰۰ تومان قیمت داشت، حالا در همانجا ۹۵۰۰ تومان فروخته می‌شود!) یا شکر را برای چندمین بار یک شبه ۳۰ درصد گران کردند، معلوم می‌شود که بازار به حال خود رها شده است و کسی در این بازار از عاقبت کار خود نمی‌ترسد و هر چه هست نوعی ساخت و پاخت پشت صحنه برای تقسیم سودهای یک شبه رانت و انحصار است.

اگر در بازارها راه نمی‌روید، سری به گروه‌ها و کانال‌های خبری اقتصادی بزنید. بی‌شرمانه به یکدیگر پیشنهاد می‌دهند که شکر بخرید و تبدیل به نبات کنید زیرا نبات تا دو سال ماندگاری دارد و آن وقت نبات در پایان این دو سال چندین برابر قیمت می‌شود! آن دیگری می‌گوید مغازه‌اش به دلیلی شش ماه پلمب بوده و حالا پس از این مدت با طیب خاطر ۲۰۰ میلیون باج داده است تا فک پلمب شود، زیرا قیمت اجناس داخل مغازه که یک و نیم میلیارد بوده حالا به ۸ میلیارد تومان رسیده است! چینی فروش معرکه می‌گوید با دلار ۳۶۰۰ تومانی، سرویس چینی را وارد می‌کرده و یک و نیم میلیون تومان می‌فروخته است، در حالی که هر سرویس چینی با آن دلار برای او فقط ۲۰۰ هزار تومان تمام شده است و حالا بهترین کار احتکار باقیمانده کالاهای وارداتی است!

وصف حقیقت بازار این روزهای کشور دشوار است. بازاری که هیچ پیامبری در آن قدم نمی‌زند و هیچ کس از عاقبت گرانفروشی و کم فروشی خود نمی‌ترسد. بازاری که گویی به عمد به حال خودرها گشته، آن هم در جنگی اقتصادی که سنگرهایش رو به دشمن حفر شده است!

خبر

در نامه جوانان به رهبر انقلاب تأکید شد

پیمان جوانمردی جوانان با بیانیه گام دوم

جمعی از جوانان پیرامون گام دوم انقلاب طی نامه‌ای به مقام معظم رهبری تأکید کردند: ما برای عدالت‌گستری و مبارزه قاطعانه با فساد و تحقق همه تکالیف راهبردی در این بیانیه پیمان برادری بسته‌ایم.

به گزارش مهر، در نامه جوانان به رهبر معظم انقلاب آمده است: ما نگارندگانِ این نامه که پرورش یافتگان مکتب انقلاب اسلامی هستیم، به‌عنوانِ جمعی از جوانانِ ایرانی که مخاطبانِ اصلی بیانیهٔ گامِ دوّمِ انقلاب هستند، آن متنِ متقن و غنی را بند به بند و با دقت و حسّاسیّتِ فراوان، مطالعه کردیم و در همین مدّتِ اندک، گفت‌وگوها و مباحثاتِ جدّی و طولانی‌ای را دربارهٔ آن به انجام رساندیم.

برخی از محورهای اصلی نامه جمعی از جوانان خطاب به رهبر معظم انقلاب پیرامون بیانیه گام دوم به این شرح است: بسیار خرسند و مفتخریم که برخلاف عملکرد و نگاه جاری جریانات کشور شما همچون گذشته باز هم چشم امید به «جوانان» دارید. می‌دانیم که این بیانیه، بالنده و حرکت آفرین نخواهد شد، مگر آنکه با نگاه اندیشه‌ورزانه و راهبردانديشانه، و در محیط‌های آزاداندیش، در میان نخبگان نسل ما، به صورت مداوم محل گفت‌وگو و مُداقه و تدبیر قرار گیرد. اکنون ما جوانان بیش از پیش نگران تطاول نظام دیوان سالاری موجود و طولانی شدن تحقق مرحله «دولت اسلامی» هستیم.

ما نیز همانندِ شما، نیاز به «تحوّل» و «تغییرِ» مبتنی بر مدار و منطقِ انقلابی را احساس می‌کنیم و باور داریم «تحول نسلی»، «تحولِ گفتمانی» و «تحول ساختاری» لازمه تحقق «نظام انقلابی» مد نظر حضرتعالی می‌باشد. می‌دانیم که تحول نسلی به تنهایی کفایت نمی‌کند. ما نیازمند تحول در ساختارهای مصلوب کنونی و تحول در اندیشه‌های حکمرانی (گفتمان‌ها، نظامات، برنامه‌های کلان، رویه‌ها و ...) هستیم. جوانان تصریح کرده‌اند: تجربیات موفق و بومی انقلاب اسلامی در کارآمدی عملی مدیریت دفاع مقدس و حرکت‌های جهادی گوناگون از قبیل فعالیت‌های گسترده خدمت رسانی، فرهنگی، دفاعی، علمی و... نشان می‌دهد که تنها راه گذر از بن بست نمایی دشمنان در برخی از حوزه‌های حکمرانی و خنثی کردن تلاش شبانه روزی آنها برای ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی، بازگشت به همان تجارب انقلاب و در رأس آن «جوان سازی» و «مردمی سازی» حکمرانی در کشور است. از نظرِ ما، در برابر «مسائل» نظام جمهوری اسلامی هیچ‌گونه بن‌بست و انسدادی وجود ندارد و هیچ چالشی در برابرِ انقلاب و نظامِ جمهوری اسلامی نیست، مگر این که حلّ‌شدنی است و می‌توانَ راه‌حل‌ها را از دل ظرفیت‌های درونی استخراج کرد و به کار بست.

جوانان تهیه کننده نامه تأکید کرده‌اند: می‌دانیم که اندیشه «پیشرفت» و مبارزه با الگوهای وارداتی ناکارآمد بنام توسعه، «جهاد کبیر» روزگار ماست. از این روی تلاش‌ها و تبلیغ و اندیشه ورزی خویش را باید معطوف به آن سازیم و لحظه‌ای از آن غافل نشویم. «معنویت، عقلانیت و عدالت» اگر توأمان فراهم نیایند، نسل ما نیز گرفتار انحراف و عدم توفیق خواهد شد. در اولین گام «گفت‌وگوی ملی جوانان» حول بیانیه گام دوم انقلاب را در دستور کار قرار داده ایم که ان شاءالله نتایج ملموس و عینی آن در آینده نزدیک در عرصه‌های مختلف نمایان خواهد شد.